

مطالعه بین‌نسلی ایدئال‌های فرزندآوری زنان (مطالعه زنان متأهل در شهر تبریز)

فاطمه گلابی^{۱*}، توکل آقاییاری^۲، مریم آسیابانیان بارنجی^۳

چکیده

این پژوهش به بررسی برخی عوامل مؤثر بر ایدئال‌های فرزندآوری زنان متأهل شهر تبریز پرداخته است. در این زمینه، از نظریات مختلفی استفاده شده است که از منظر اقتصادی، اجتماعی، جمعیت‌شناختی و فرهنگی به بحث باروری و فرزندآوری پرداخته‌اند. روش تحقیق، پیمایشی است و جامعه آماری کلیه زنان متأهل ۱۵-۴۹ ساله شهر تبریزند. از طریق فرمول کوکران، حجم نمونه برابر ۴۴۶ به‌دست آمده است. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. این مطالعه در مقایسه نسلی دو گروه سنی ۱۵-۳۴ و ۳۵-۴۹ ساله را با یکدیگر بررسی و مقایسه کرده است. طبق یافته‌های تحقیق حاضر، در هر دو نسل از زنان متأهل ۱۵-۳۴ و ۳۵-۴۹ ساله هزینه فرزندان رابطه منفی و معنادار با ایدئال‌های فرزندآوری زنان داشته است. در نسل جوان‌تر (۱۵-۳۴ سال)، بین سن ازدواج و با ایدئال‌های فرزندآوری رابطه معکوس و معنادار وجود دارد، ولی این رابطه در نسل ۳۵-۴۹ سال معنادار نبوده است. همچنین در هر دو نسل، رابطه بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان و ایدئال‌های فرزندآوری معنادار نبوده است. براساس نتایج رگرسیون چندمتغیره، برای دو نسل از زنان، متغیر هزینه فرزندان بر ایدئال‌های باروری نسل زنان متأهل ۱۵-۳۴ ساله تأثیر بیشتری داشته است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت: «هزینه فرزندان» به یکی از دغدغه‌های مهم خانواده‌ها در جامعه امروزی تبدیل شده است. بالا رفتن سن ازدواج و افزایش دغدغه‌های معیشتی و تربیتی خانواده‌ها می‌تواند بر تعیین بعد خانواده و آینده جمعیت کشور تأثیر بگذارد.

کلیدواژگان

ایدئال‌های فرزندآوری، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، سن ازدواج، نسل، هزینه فرزندان.

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز و عضو مؤسس قطب علمی جامعه‌شناسی سلامت دانشگاه تبریز
f.golabi@gmail.com
۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز
t.aghayari@tabrizu.ac.ir
۳. دانشجوی ارشد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز
fz12fz@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۵

مقدمه

خانواده هسته اصلی جامعه و یکی از نهادهای قدیمی اجتماعی است. در این نهاد، کارکردهای عمده‌ای همچون نظم‌بخشیدن به رفتار جنسی و تولید مثل، مراقبت و نگهداری از کودکان، معلولان و سالمندان، اجتماعی‌کردن کودکان، تثبیت کارکردهای ذکرشده فرزندآوری و تولیدمثل به‌عنوان عامل بقای زندگی زناشویی امری الزامی است. بالارفتن میزان شهرنشینی و سواد، تمایل افراد به رفاه بیشتر، ماشینی‌شدن کارها و علاقه زوجین یا والدین به پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به تعداد فرزندان و دیدگاه آن‌ها نسبت به فرزندآوری مؤثر بوده است [۲۷، ص ۹۴]. در برخی از کشورها، می‌توان به نقش عوامل فرهنگی در تغییرات جمعیت‌شناختی اشاره کرد. بسیاری از متغیرهای جمعیت‌شناختی همچون داشتن فرزند و فرزندآوری تأثیرات هم‌زمانی را از سه عامل سن (تأثیر ناشی از تعلق به گروه سنی خاص)، دوره (تجارب تاریخی که هم‌زمان همه گروه‌های سنی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد) و نسل (تأثیرپذیری متفاوت گروه‌های سنی مختلف از تجارب تاریخی) می‌پذیرند [۷۶]. این تغییرات را می‌توان در قالب تغییر از خانواده گسترده به هسته‌ای، تغییر از خانواده‌گرایی به فردگرایی، تغییر از کنترل خانواده به استقلال افراد خانواده، تغییر از ازدواج‌های از پیش ترتیب داده شده به ازدواج‌های مبتنی بر عشق و انتخاب و تغییر از ازدواج در سن جوانی به ازدواج در سن بالا، از عمومیت ازدواج به داشتن پتانسیل مجرد گسترده، تغییر از باروری طبیعی به فرزندآوری کنترل‌شده، تغییر از تعداد فرزندان بیشتر به فرزندان کمتر [۷۷] به‌عنوان تغییرات ناشی از گذار جمعیتی دوم توصیف کرد.

ایران در چند دهه اخیر تحولات جمعیت‌شناختی چشمگیری را، به‌ویژه در زمینه وضعیت و موقعیت زنان، تجربه کرده است. کاهش چشمگیر میزان باروری کل از نیمه دهه ۱۳۷۰ به بعد باعث شد ایران به جرگه کشورهای بیبوند که باروری زیر حد جایگزینی^۱ دارد. سرعت کاهش فرزندآوری از نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ به بعد تاکنون توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است [۳۰، ص ۱۷۱]. با کاهش باروری و رسیدن به زیر سطح جایگزینی و پایین‌تر، نیت‌ها و ایدئال‌های باروری مورد توجه محققان زیادی قرار گرفته است. ایدئال‌های باروری بخشی از فرایند تصمیم‌گیری باروری است که تعداد فرزندان دلخواه افراد را نشان می‌دهد [۶۷، ص ۲۳۳] و مبنای انگیزشی برای نیت‌های رفتاری آن‌ها فراهم می‌کند [۷۳، ص ۸۳]. ایدئال‌های فرزندآوری، بازتاب انگیزه‌های فردی، نگرش‌ها و باورهای افراد در خصوص شمار فرزندان ایدئال افراد و خانواده‌هاست [۳۳، ص ۴۶].

همان‌گونه که مطالعات نشان داده‌اند، تعداد فرزندان که زنان قصد دارند به دنیا بیاورند از

تعداد فرزندان آن‌ها در پایان باروری متفاوت است. این نشان‌دهنده آن است که ایدئال‌ها در رابطه با میدان شکل خاصی به خود می‌گیرند. بنابراین، مطالعه باروری ایدئال می‌تواند در درک روندهای تغییرات باروری مفید باشد. ایدئال‌های باروری می‌تواند از منظرهای مختلفی مثل تعداد فرزندان ایدئال، ترجیح جنسی ایدئال، ترکیب جنسی ایدئال فرزندان و فاصله بین موالیید ایدئال نیز بررسی شود [۷، ص ۹].

نسل بنا به استدلال هیوز (۱۳۶۹) گروهی است که تجربه‌های تاریخی مشترک دارند [۴۸] و به قول بیکر، در معرض رویداد تاریخی و اجتماعی مشترک بوده‌اند؛ به قول مانهایم، دارای محل مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی، دارای سرنوشت و علاقه مشترک، آگاهی نسلی و هویت براساس تجربه مشترک هستند. مؤلفه اساسی تفکیک نسل‌ها از همدیگر براساس تشابه‌ها و تفاوت‌های فرهنگی و ارزشی است.

در این تحقیق، ایدئال‌های فرزندآوری بین زنان متأهل ۱۵-۴۹ سال بررسی شده است. بالطبع، براساس تعریف نسل می‌توان دو گروه یا دو نسل را از همدیگر تشخیص داد. نسل متولدان دوران جنگ و انقلاب و نسل متولدان پس از جنگ و انقلاب. براساس این، زنان متأهل در این پژوهش در دو نسل ۱۵-۳۴ سال و ۳۵-۴۹ سال، که متأهل‌اند، بررسی شده‌اند.

فرزندآوری و ادامه تجدید نسل از موضوعاتی هستند که باید در بستری پُر امید رخ دهند، زیرا، در غیر این صورت، جوانان یا از ازدواج بازمی‌مانند یا در صورت ازدواج اگر آمیدی به آینده بهتر نداشته باشند، از تجدید نسل خودداری می‌کنند یا حداقل به یک فرزند بسنده خواهند کرد [۲۲؛ ۶۰؛ ۷۰]. رفتار فرزندآوری زنان در دوره‌های مختلف تاریخی از عوامل مختلفی متأثر می‌شود. هر نسل از زنان متأثر از ابژه‌های نسلی خود، رفتار فرزندآوری را معنا می‌کنند. ابژه‌های نسلی زنان متعلق به نسل ۱۵-۳۴ سال عبارت بوده از اینترنت، ماهواره، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی. این ابژه‌ها ذهنیت و هویت نسلی زنان را ساخته و متفاوت از ذهنیت و هویت نسلی زنان دیگر می‌شود. ابژه‌های نسلی زنان متعلق به نسل ۳۵-۴۹ سال، که دوران جنگ و انقلاب را تجربه کرده‌اند، تاحدی متفاوت بوده است. بخش بزرگی از افراد این نسل ازدواج به سبک سنتی و از پیش تعیین شده را تجربه کرده و نیز فرزندآوری را به منزله یکی از ملاک‌های مهم هویت‌یابی در زندگی زناشویی تلقی می‌کنند. طبیعتاً این زنان به لحاظ نگرش و ارزش‌ها متفاوت از نگرش و ارزش‌های نسل ۱۵-۳۴ سال‌اند.

مطالعات مختلف (میلر، ۲۰۰۸، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱) نشان داده‌اند که رفتار باروری در بسیاری از جوامع تا حد زیادی تحت تأثیر ترجیحات باروری قرار دارند [۶۶؛ ۶۹؛ ۷۰]. انگیزه‌ها و ترجیحات باروری موضوعات پیچیده‌ای بوده و در بستر انتقال جمعیتی، توسعه اقتصادی و اجتماعی تغییر می‌یابند [۳۶]. از دیدگاه میلر، ترجیحات باروری شامل ابعادی نظیر میل به فرزندآوری، تعداد دلخواه فرزند و فاصله زمانی فرزندآوری است [۶۱؛ ۶۸؛ ۷۴].

معنا و ارزش فرزند در چند دهه اخیر در ایران تغییر یافته است و هر نسل از زنان برداشت متفاوت از نقش و ارزش فرزند در خانواده دارند [۴، ص ۴۱۰]. تغییرات در برداشت نسل‌های مختلف از زنان از تغییرات و دگرگونی‌های رخ داده در خانواده متأثر می‌شود. به این معنا که «انتظارات و پیش‌فرض‌ها درباره خانواده مدام در حال تغییر است و غیر ممکن است خانواده را بتوان به‌منزله واحدی جدا از گستره توسعه در ماهیت و ساختار جامعه مطالعه و بررسی کرد» [۶۵، ص ۵۳۰]. عباسی شوازی و مک دونالد (۲۰۰۸) با بررسی تغییر عوامل ساختاری و ذهنی در تغییرات خانواده در ایران به عناصری از زندگی خانوادگی، که در سراسر این سال‌ها بدون تغییر باقی مانده، تمرکز داشته‌اند. به نظر آن‌ها برخی از جنبه‌های زندگی و ارزش‌های خانوادگی ثابت مانده، ولی برخی دیگر به طور درخور ملاحظه‌ای تغییر یافته است. مهم‌ترین تغییر در دهه‌های اخیر، افزایش سطح آموزش بین نسل‌هاست. سن ازدواج به شکل صعودی، به‌ویژه برای دختران، بالا رفته و نگرش زنان به باروری به طرز درخور ملاحظه‌ای تغییر کرده است. این شامل تصمیم درباره داشتن فرزند تا نقش‌های جنسی در روابط می‌شود [۵۰]. با توجه به موارد مطرح‌شده، در این تحقیق به بررسی عواملی پرداخته شده که بر ایدئال‌های فرزندآوری زنان متأهل مؤثرند و بر این اساس این مطالعه به بررسی تمایلات و ایدئال‌های فرزندآوری زنان متأهل شهر تبریز و مقایسه این ایدئال‌ها بین دو نسل از زنان شهر تبریز، یعنی زنان ۱۵-۳۴ و ۳۵-۴۹ ساله، پرداخته است تا به پاسخ سؤال‌های: تعداد ایدئال فرزندان بین دو نسل از زنان چقدر است؟ و چه رابطه‌ای بین متغیرهای سن ازدواج، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، هزینه فرزندآوری، با ایدئال‌های فرزندآوری به تفکیک گروه‌های سنی وجود دارد؟

موضوع ایدئال‌های فرزندآوری از موضوعاتی است که در داخل و خارج کشور به آن پرداخته شده است. در زمره تحقیقات خارجی می‌توان به برخی تحقیقات اشاره کرد. از جمله، آمبروستی^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در بررسی ابعاد ایدئال خانواده و فرزندآوری در کشور مصر به تلاش‌ها برای کنترل جمعیت در نتیجه اتخاذ سیاست‌های جمعیتی اشاره دارد. این سیاست‌گذاری‌ها مبتنی بر تحصیلات و رشد آگاهی‌ها و توانمندی‌های زنان به‌عنوان ابزاری برای محدودسازی رشد جمعیت بوده است [۵۱]. برینتون^۲ و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیق خود روی رفتارها و ایدئال‌های فرزندآوری به مقایسه این ایدئال‌ها در اروپا و آسیای شرقی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که در هر دو جامعه فرزندآوری در زیر حد جایگزین قرار دارد. یکی از عوامل به تأخیر افتادن فرزندآوری، شکاف بین رفتار و ایدئال فرزندآوری است [۵۵]. چائو و کیم^۳ (۲۰۱۶) به بررسی عوامل تأثیرگذار بر ایدئال‌های فرزندآوری دانشجویان دختر دانشگاه‌ها پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که نگرش‌ها و هنجارهای ذهنی مرتبط با نیت و رفتار باروری

1. Ambrosetti
2. Brinton
3. Chao & Kim

است [۵۷]. کوهنت و تراپ^۱ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای تأثیر کانال‌های اجتماعی در تحقق اهداف باروری کوتاه‌مدت در آلمان را انجام دادند. نتایج نشان داد که فشار اجتماعی تأثیری بسزایی در تعیین نیات و ایدئال‌های باروری داشته است و در مقابل، حمایت اجتماعی اثر درخور ملاحظه‌ای نداشته است [۶۲]. مودنا^۲ و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان نامنی اقتصادی و ایدئال‌های باروری به این نتیجه رسیده‌اند که بی‌ثباتی و نامنی شغلی عاملی برای به تعویق افتادن در تولد اولین فرزند می‌شود و شانس زایمان بیشتر را به طور قابل توجهی پایین می‌آورد [۷۲]. هی‌فورد و مورگان^۳ (۲۰۰۸) با استفاده از داده‌های پیمایشی ملی رشد خانواده در آمریکا نشان دادند که نرخ واقعی و تمایل به فرزنددار شدن در زنانی که معتقدند دین در زندگی روزمره خیلی مهم است، بالاتر از کسانی است که معتقدند دین مهم نیست یا اهمیت کمی دارد. همچنین، در تحقیقات آن‌ها مشاهده شد کسانی که دین‌دارترند، نگرش‌های سنتی‌تری درباره نقش‌های جنسیتی و خانواده دارند که باعث افزایش ایدئال در تعداد فرزندان و رفتار باروری می‌شود [۵۹]. لاک‌لند^۴ و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیقی با هدف بررسی ارزش کودکان و تعداد فرزند بین نسل‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که اهمیت ارزش کودکان دچار تغییر شده است. به عبارت بهتر، ارزش کودکان بین نسل مادران جوان‌تر کمتر و بالطبع، تعداد فرزند هم کمتر است. مادران جوان به دلیل انتظارات اجتماعی و تأیید اجتماعی، تک‌فرزندی را انتخاب می‌کنند [۶۳].

در ایران، پژوهش‌های متعددی در مورد ایدئال‌های فرزندپروری صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. رازقی نصرآباد و عباسی شوازی (۲۰۲۰) با فراتحلیل مطالعات و تحقیقات انجام‌شده در ایران بر فرزندآوری در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۱۳۸۰ تا ۲۰۱۸ (۱۳۹۸) به این نتیجه رسیده‌اند که میانگین ایدئال فرزندآوری در ایران برابر با ۲٫۲۵ است و به‌رغم تفاوت‌ها در سطح باروری واقعی بین نواحی مختلف ایران، دو بچه به‌عنوان الگوی مسلط ایدئال فرزند است و اگر شرایط فراهم باشد، باروری می‌تواند در حد جایگزینی حفظ شود [۷۵]. ترابی و شیدانی (۱۳۹۸) در تحقیق بر روی عوامل مؤثر بر گرایش زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر تهران به فرزندآوری کمتر، به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل جمعیت‌شناختی مانند سن ازدواج، عوامل اجتماعی مانند تحصیلات و اشتغال زنان و عوامل اقتصادی مانند فقدان درآمد کافی و نامنی شغلی و اعتقاد به بی‌ثباتی اقتصادی کشور و ناتوانی در تدارک مسکن با گرایش به فرزندآوری رابطه معنادار دارد. بر این اساس، باروری مبتنی بر منفعت و هزینه‌های اجتماعی فرزندآوری است [۱۰]. ترکیان ولاشانی و همکاران (۱۳۹۸) به دلایل بازدارنده فرزندآوری مانند

1. Kristin Kuhnt & Trappe
2. Modena
3. Heyford & Morgan
4. Lackland

نگرانی از تأمین آینده تحصیلی و امنیت شغلی فرزندان، افزایش مشکلات اقتصادی با آوردن فرزند جدید و درآمد ناکافی برای آوردن فرزند اشاره داشته‌اند [۱۲]. طبق تحقیق احمدی، فیضی و کریمی (۱۳۹۸) بیش از ۹۰ درصد از زنان اظهار کرده‌اند که داشتن بچه مانعی برای خودحفاظتی روانی و عاطفی و افزایش توانمندی اجتماعی آن‌هاست و تمایل زیادی به کم‌فرزندآوری بازاندیشانه دارند. براساس این تحقیق، ایدئال‌های باروری زنان بیشترین تأثیر را بر باروری دارد. به این معنا که هرچه ایدئال باروری زنان بیشتر باشد، فرزندآوری آنان بیشتر می‌شود. همچنین تغییرات باروری وابسته به پایگاه اقتصادی اجتماعی و نابرابری جنسیتی در نهاد خانواده است [۱]. چابکی و همکاران (۱۳۹۷) نیز در بررسی ارزش‌های فرهنگی و ارتباط آن با گرایش به فرزندآوری به این نتیجه دست یافته‌اند که ارزش‌های فردگرایانه بیشترین و درآمد کمترین قدرت تبیین را در فرزندآوری دارد [۱۴]. آفرینی، اکبری و منتظری (۱۳۹۷) با بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و قصد فرزندآوری بین زنان به این نتیجه رسیده‌اند که بین سن و قصد فرزندآوری رابطه معنادار وجود دارد. همچنین با افزایش سطح تحصیلات زنان و خامت اوضاع اقتصادی خانواده، قصد فرزندآوری کاهش می‌یابد. بنابراین، حمایت‌های اجتماعی نمی‌تواند در قصد فرزندآوری تأثیر معناداری داشته باشد. در مقابل، حمایت‌های اقتصادی و بهبود وضع معیشتی خانواده‌ها می‌تواند در قصد فرزندآوری تأثیرگذار باشد [۸]. ترابی، قربانی و کوچانی (۱۳۹۶) در مقایسه نگرش زنان و مردان نسبت به زمان فرزندآوری، به این نتیجه رسیده‌اند که بین سن ازدواج زنان، موقعیت اقتصادی و اجتماعی و وضعیت اشتغال آن‌ها با نگرش به زمان فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد [۱۱]. سعادت‌ی و باقری (۱۳۹۶) در بررسی فاصله مطلوب ازدواج تا فرزندآوری از نظر جوانان در آستانه ازدواج به این نتیجه رسیده‌اند که الگوی متفاوت و معنادار برحسب متغیرهای جنسیت، سن، سطح تحصیلی، وضع فعالیت و تعداد فرزندان ایدئال و ترجیح جنسی با بقای عدم فرزندآوری وجود دارد. بر این اساس، بقای عدم فرزندآوری زنان بیشتر از مردان، سطوح پایین‌تر تحصیلی بیشتر از سطوح بالاتر تحصیلی و مسن‌ترها بیشتر از جوان‌ترها بود. با افزایش سطح تحصیلی، بقای بی‌فرزندگی طولانی‌تر می‌شود [۲۶، ص ۲۴۷]. والدین کم‌سوادتر فرزندان خود را به‌عنوان کمک خانواده در نظر گرفته و آن‌ها را بیمه دوران پیری تلقی می‌کنند [۴۷]. در خانواده‌های برخوردار از تحصیلات بالاتر به دلیل توجه بیشتر به کیفیت تربیت و آموزش مهارت‌های لازم به فرزندان، تعداد فرزند کمتر ترجیح داده می‌شود و فاصله فرزندآوری بیشتری می‌شود. حمیدی‌فر، کنعانی و عبادالهی (۱۳۹۶) در مطالعه افراد بدون فرزند در شهر رشت به مسئولیت‌های بالای پدر و مادری، محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی داشتن فرزند و هزینه بالای فرزند تأکید داشته‌اند [۲۱]. صادقی و سرایی (۱۳۹۵) در بررسی عوامل مؤثر بر فرزندآوری زنان شهر تهران به این نتیجه رسیده‌اند که بین اشتغال زنان و پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده و گرایش به داشتن

فرزند رابطه معنادار وجود ندارد [۲۸]. ارجمند سیاه‌پوش و برومند (۱۳۹۵) در بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به فرزندآوری به رابطه معکوس بین میزان تحصیلات و پایگاه اجتماعی و اقتصادی با گرایش به فرزندآوری زنان تأکید دارند. همچنین ترجیح جنسی و پیروی از سنت‌ها تأثیر بیشتری بر میزان فرزندآوری دارند [۲]. نتایج تحقیق چمنی، شکرپیگی و مشفق (۱۳۹۵) و مطالعه تعیین‌کننده‌های جامعه‌شناختی فرزندآوری بین زنان متأهل شهر تهران نشان می‌دهد که فرزندآوری به‌مثابه یک کنش بازاندیشانه بوده و تصمیم افراد برای داشتن فرزند، راهکار خاصی برای ایجاد تعادل میان تمایلات فردی و ساختاری است. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان می‌دهد که سن ازدواج، اختلاف سنی همسران، درآمد خانواده، تحصیلات و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها در خانواده و نگرش مثبت و منفی نسبت به فرزند و ترجیح جنسی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر رفتار و ایدئال‌ها و تمایلات فرزندآوری زنان تلقی می‌شود [۱۵]. حمیدی‌فر، کنعانی و عبادالهی (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان جامعه‌در مخاطره و فرزندآوری بر زوجین شهر رشت به این نتیجه رسیده‌اند که بین زنان، افول ارزش‌های سنتی، آزادی انتخاب، تحصیلات و سن ازدواج در کنش فرزندآوری‌شان نقش داشته و احتمال فرزندآوری را کاهش می‌دهد [۲۰]. طبق تحقیق طاووسی و همکاران (۱۳۹۴)، ۶۳/۲ درصد از پاسخ‌گویان (مردم تهران) به فرزندآوری تمایلی ندارند. بر این اساس، عدم تمایل به فرزندآوری با متغیرهایی مانند سال‌های ازدواج بیشتر، میزان درآمد پایین، داشتن تعداد فرزند بیشتر رابطه معنادار دارد. با افزایش سن، شانس عدم تمایل به فرزندآوری افزایش می‌یابد. عدم تمایل به فرزندآوری در مردان بیشتر از زنان، بین افراد با درآمد پایین بیشتر از درآمددارها و زنان دارای تحصیلات بیشتر از زنان با تحصیلات پایین بوده است [۲۹]. عسگری ندوشن و همکاران (۱۳۹۴)، به بررسی تطبیقی عوامل تعیین‌کننده ایدئال‌های باروری زنان گردِ شاغل و غیرشاغل شهر سمنان پرداخته و نتیجه گرفته است که ۷۳/۸ و ۶۹/۷ درصد از زنان شاغل و غیرشاغل به ترتیب ۲ فرزند و تنها ۱۰/۹ و ۱۵/۸ درصد از آن‌ها ۳ فرزند را برای یک خانواده در شرایط کنونی ایدئال می‌دانند. طبق این بررسی، بین زنان غیرشاغل متغیر پابندی به ارزش‌های خانواده بزرگ تأثیر مستقیم و معناداری در ایدئال‌های باروری داشته است [۳۲]. نفیسی، ضرغامی و شیری (۱۳۹۴) در بررسی تمایل به فرزندآوری در آستانه ازدواج و برخی عوامل مرتبط با آن به این نتیجه رسیده‌اند که تمایل به فرزندآوری بین زنان و مردان متفاوت بوده و این تمایل بین مردان بیش از زنان بوده و بین تحصیلات و تمایل به فرزندآوری رابطه معکوس وجود دارد [۴۵]. رضوی‌زاده، غفاریان و اخلاقی (۱۳۹۴) در بررسی زمینه‌های کم‌فرزندطلبی و تأخیر در فرزندآوری بین زنان شهر مشهد به این نتیجه رسیده‌اند که دغدغه‌های فرزندمحور (به‌ویژه تربیتی) و والدمحور (اقتصادی، رفاهی و محدودیت‌زایی) موجب کم‌فرزندگی و تأخیر در فرزندآوری می‌شود [۲۳]. براساس تحقیق اوجاقلو و همکاران (۱۳۹۳)،

پایین ترین سطح ارزش فرزند بین متولدان سال های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ (متولدان پس از جنگ و انقلاب) و بالاترین سطح ارزش مربوط به متولدان سال های قبل از ۱۳۴۲ است. به نظر می رسد در نسل پیش از انقلاب، نگرش به فرزند و فرزندآوری در حد قوی و در نسل انقلاب و جنگ تا حد متوسط و در نسل بعد از انقلاب و جنگ، که بیش از سایر نسل ها در معرض تجربه جهانی شدن و گسترش فناوری های اطلاعاتی بوده اند، ضعیف است. براساس این تحقیق، بین ارزش های نسلی در فرزندآوری تفاوت وجود دارد و هرچه فردگرایی در نسل ها بالا می رود، ارزش فرزند کاهش می یابد [۴].

حسینی و بگی (۱۳۹۱) در بررسی تعیین کننده های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت شناسی تمایلات فرزندآوری زنان همسر دار شهر همدان به این نتیجه رسیده که تغییرات ارزشی و نگرشی به وجود آمده در جامعه ایران در طول چند دهه گذشته تأثیر زیادی بر تصمیم ها و کنش های باروری افراد و خانواده ها به ویژه زنان گذاشته است [۱۶]. حسینی و بگی (۱۳۹۱)، در تحقیقی دیگر به بررسی تمایلات باروری زنان کرد شهر مهاباد پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که ۶۱٫۴ درصد از زنان قصد بر توقف فرزندآوری دارند. به علاوه تفاوت معناداری در تمایلات فرزندآوری زنان با ویژگی های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی متفاوت وجود دارد. این تحقیق بر تفاوت در تمایلات فرزندآوری بین نسل های دهه ۱۳۶۰، ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ صحت می گذارد [۱۸]. حسینی و عباسی شوازی (۱۳۸۸)، در تحقیقی به بررسی تغییرات اندیشه ای و تأثیر آن بر رفتار و ایدئال های باروری زنان کرد و ترک پرداخته و نتیجه گرفته است که تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده ملازم با تغییر در نگرش ها و ایستارهای مرتبط با ازدواج و فرزندآوری و در نهایت رفتار و ایدئال های فرزندآوری است [۱۹]. بنا بر تحقیقات سرایی (۱۳۸۷)، نشانه هایی از ورود ایران به مرحله گذار جمعیتی دوم می توان یافت [۲۴]. به عبارت دیگر، در ایران، فرزندآوری و باروری طبق آمارهای گزارش شده در سال های اخیر پایین آمده و به سطح جانشینی و زیر جانشینی رسیده است [۳۱؛ ۴۹]. کلانتری و همکاران (۱۳۸۵)، در تحقیقی به بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأثیرگذار بر میزان باروری در شهر اصفهان پرداخته است. نتایج نشان داد، افزایش سن ازدواج و افزایش تحصیلات زنان، توافق زوجین در تنظیم خانواده و افزایش مشارکت مردان در تنظیم خانواده و کاهش مرگ و میر کودکان از عوامل مؤثر بر تعداد ایدئال فرزندان و باروری است [۳۵].

مبانی نظری پژوهش

تحولات باروری تحت تأثیر عوامل متعددی است که در تعامل با یکدیگرند. با این حال، سهم هر یک از عوامل در کاهش یا افزایش باروری، فهم تأثیرات علی یا محدود کردن عوامل در یک طبقه بندی نظام یافته وجود ندارد. با توجه به متغیرهای بررسی شده و تأثیر آن ها بر ایدئال های

فرزندآوری، دیدگاه‌ها و نظریات گوناگونی مطرح شده است. از جمله می‌توان به نظریه‌های اقتصادی و اجتماعی و نظریه‌های فرهنگی اشاره کرد.

هاروی لیبنشتاین^۱ در نظریه هزینه و منافع فرزندان معتقد است که در تحول از تولید خانوادگی به تولید سرمایه‌داری، بچه‌دار شدن به دلیل مخارج تحصیل و تربیت آن‌ها کمتر و کمتر اقتصادی شده است. همچنین، در اقتصادهایی که تورم، فشار شدیدی بر مردم فقیر و متوسط می‌آورد، ناتوانی در تغذیه کودکان، تهیه لباس و سایر تسهیلات برای والدین بار سنگینی است و فشار تورم مانع باروری است [۳۴، ص ۱۴۲]. لیبنشتاین همچنین بیان می‌کند که عامل اصلی در تصمیم‌گیری والدین در مورد تعداد فرزندان، ایجاد نوعی تعادل بین منفعت و هزینه فرزندان است. اگر والدین با محاسباتشان پی ببرند که منفعت فرزندان بیش از هزینه آنان است، به فرزندآوری اقدام می‌کنند. او می‌گوید فرزندان در سه زمینه می‌توانند منشأ سود برای والدین باشند: ۱. به عنوان کالایی که می‌تواند منبع لذت برای والدین باشد؛ ۲. به عنوان نیروی کاری که می‌تواند از آن به طور مجانی در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری استفاده کرد؛ ۳. به عنوان کسی که در سنین کهنولت یا وضعیت‌های دیگری مثل بیماری یا از کارافتادگی به حمایت و پشتیبانی از والدین می‌پردازد. هزینه فرزندان نیز شامل دو نوع هزینه مستقیم مثل هزینه آموزش و نگهداری از فرزندان و غیرمستقیم یعنی هزینه فرصت‌هایی است که مادر به دلیل نگهداری از فرزند از دست می‌دهد. لیبنشتاین استدلال می‌کند که چنانچه منابع اقتصادی فرزندان بیشتر از هزینه‌های دوگانه ذکر شده باشد، زوجین انگیزه داشتن فرزند بیشتر را در سر می‌پروارند. او بر این باور است که در یک جامعه، رفتارهای باروری ناشی از یک رفتار اقتصادی عقلایی است [۱۷، ص ۱۲۴].

در نظریه اقتصاد باروری بکر^۲، فرزندان به منزله کالای اقتصادی بادوام تلقی می‌شوند که والدین از فرزندان خود انتظار دارند [۳۴، ص ۱۴۲]. این نظریه مبتنی بر این استدلال است که رفتار باروری نتیجه انتخاب خانوار است. نظریه اقتصاد خرد باروری بر سه عامل تعیین‌کننده انتخاب باروری زوج‌ها تأکید دارد: هزینه‌های نسبی فرزندان در مقابل سایر کالاها، درآمد زوجین و ترجیح فرزندان در مقابل سایر اشکال مصارف رقیب [۱۷، ص ۹۵]. گری بکر در حوزه اقتصاد باروری به مفهوم کلیدی کیفیت فرزندان^۳ اشاره می‌کند [۵۴]. از نظر بکر (۱۹۶۰)، با افزایش اهمیت کیفیت فرزندان و افزایش هزینه‌های آنان، تعداد فرزندان مورد نظر خانواده کاهش می‌یابد. ولی تمایلات افراد برای فرزندآوری لزوماً عقلانی نیست و می‌تواند متأثر از باورهای آن‌ها در مورد فرزندآوری و نتایج و پیامدهای آن باشد [۵۰]. کالدول (۱۹۸۲) در نظریه خود به جریان ثروت بین‌نسلی اشاره می‌کند و معتقد است که مدرنیته شدن زندگی

1. Libenestein
2. Becker
3. quality of children

اجتماعی و فرهنگی به معکوس شدن جریان ثروت بین نسل‌ها می‌انجامد و طی آن والدین کمک‌دهنده صرف به فرزندان می‌شوند و این تحول، محدود شدن میزان باروری و فرزندآوری را در پی دارد [۴۱، ص ۱۵]. به باور کالدول، بین ساختار خانواده و باروری رابطه مستقیم وجود دارد [۵۶]. در جوامع سنتی که در وضعیت باروری طبیعی به سر می‌برند، فرزندان منافع اقتصادی دارند و جریان ثروت رو به بالا و از نسل جوان‌تر به نسل‌های سالخورده‌تر است. در نتیجه، والدین به کمیت فرزندان اهمیت می‌دهند. در جوامع جدید، مبتنی بر اقتصاد مدرن، فرزندان برای خانواده بار اقتصادی دارد و از ارزش اقتصادی پایینی برای والدین برخوردارند. ساختار خانواده برحسب جریان‌های نزولی ثروت سازمان یافته است و در نتیجه والدین بیشتر به کیفیت فرزندان توجه می‌کنند [۳۹].

تئوری ارتقای اجتماعی توسط دمونت^۱ بیان شده است. دمونت عقیده دارد تعداد فرزندان در هر خانواده ارتباط زیادی با منزلت اجتماعی والدین دارد؛ یعنی اگر در جامعه‌ای با داشتن فرزندان بیشتر امکان ارتقا و منزلت اجتماعی و ترقی در دوره‌های اجتماعی بیشتر باشد، خانواده ترجیح می‌دهد تعداد فرزندان بیشتری داشته باشد [۵، ص ۱۲۲]. خانواده با توجه به پیشرفت و ترقی حاصل شده در جامعه و موقعیتی که به‌عنوان یک عضو دارد، به فرزندآوری می‌اندیشد [۴۶، ص ۳۶].

از نظر گیدنز^۲، تمایزات پایگاهی اغلب از تقسیمات طبقه‌ای مستقل است. همچنین، از نظر وی داشتن درآمد بالا معمولاً پایگاه والایی نصیب شخص می‌کند [۳۷، ص ۲۲۶]. استدلال گیدنز بر این است که پایگاه، مقام و جایگاهی است که جامعه به فرد یا گروه خاصی اعطا می‌کند. این مقام متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی و مؤلفه‌های آن است. والدینی که رتبه شغلی آن‌ها بالا و هزینه فرصت‌هایشان نیز زیاد است و نیز والدینی که به دلیل برخورداری از درآمد بیشتر، دسترسی آسان‌تری به ابزارهای کنترل باروری دارند، خواستار فرزند کمتری هستند و متقابلاً والدین کم درآمد دارای مشاغل و فاقد امکان دسترسی به روش‌های کنترل باروری، در عمل، فرزندان بیشتری خواهند داشت [۴۴، ص ۱۳۴].

گیدنز در بررسی تحولات سه دهه اخیر پس از صنعتی شدن، به توصیف و تبیین تحولات دنیای مدرن می‌پردازد. از نظر گیدنز، مدرنیته پایان سنت به این مفهوم نیست که سنت ناپدید می‌شود. بلکه به این معناست که ما زندگی می‌کنیم، ولی زندگی ما کمتر و کمتر با قضا و قدر همراه است [۳۸، ص ۷۸] و تصمیمات به شیوه بازاندیشانه‌تری گرفته می‌شود. از نظر گیدنز، در قدیم نقش افراد از پیش تعیین شده بود؛ در حالی که امروزه هر فرد می‌تواند از خود بپرسد که معنای زن و مرد بودن چیست؟ آیا باید ازدواج کند؟ آیا باید بچه داشته باشد، چگونه باید

1. Dumont
2-Giddens

زندگی کند [۳۸، ص ۱۷۹]. گیدنز، در بحث بر روی دگرگونی صمیمیت در روابط زناشویی به جدایی روابط جنسی از فرزندآوری اشاره می‌کند که سبب جدایی امر ازدواج از فرزندآوری شده است و شمار فزاینده همسران بدون فرزند نشان می‌دهد که ازدواج در درجه اول به دلیل فرزندآوری صورت نمی‌گیرد.

یکی از تئوری‌های مهم تبیین‌کننده تغییرات خانواده و ارزش‌های آن، به‌ویژه فرزند و رفتار فرزندآوری، تئوری گذار دوم جمعیتی^۱ است. این تئوری به تغییراتی اشاره می‌کند که در زمینه نگرش به تشکیل خانواده و اهمیت نهاد خانواده، روابط اعضا باهم، ساختار قدرت در خانواده، استقلال زنان، دموکراسی عاطفی و... به وجود آمده است. لسته‌هاق و نیدرت^۲ (۲۰۰۶) در توضیح مفهوم گذار جمعیتی و مقایسه آن با گذار جمعیتی اول استدلال می‌کند که در انتقال اول جمعیتی، تغییرات در میزان مولید و مرگ‌ومیر را به موازات گذار از شرایط اقتصادی و اجتماعی و سنتی قبل از مدرن به یک جامعه مدرن صنعتی و شهری شاهدیم و از آن می‌توان به انقلاب جمعیتی یاد کرد [۶۴]. در این دوران، باروری و مرگ‌ومیر در سطح پایینی متعادل می‌شود و در نهایت جمعیت به سوی ایستایی میل می‌کند و حتی در برخی از کشورها (جوامع) که دوران گذار را طی کرده‌اند و از آن خارج شده‌اند، تعادل بین باروری و مرگ‌ومیر وجود ندارد، بلکه باروری به جای اینکه در سطح جانشینی متوقف شود به زیر جانشینی می‌افتد [۴، ص ۴۱۳]. عدم تعادل در دوران گذار جمعیتی اول به نفع باروری است [۶۱، ص ۱۱۹]. ولی در گذار جمعیتی دوم، با توجه به تغییر نگرش نسبت به خانواده و ازدواج، سطح باروری پایین‌تر از سطح مرگ‌ومیر و زیر سطح جانشینی است. بنابراین، رشد جمعیت در درازمدت منفی و جمعیت بالقوه رو به کاهش می‌رود [۴، ص ۴۱۳]. کاهش باروری نوعی تطابق عقلانی با تغییرات در شرایط اقتصادی است و هنگامی رخ می‌دهد که فرایندی از نوسازی بر اثر صنعتی‌شدن، شهرنشینی، تحصیلات، آزادی زنان و توسعه اقتصادی اجتماعی آغاز می‌شود. جامعه‌شناسان بر این باورند که هر اندازه کشورها در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی بیشتر حرکت کنند، بیشتر سلیقه‌ها و انگیزه‌های فردی است که رفتار باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عوامل انگیزشی محور اصلی دیدگاه‌هایی است که از طریق مدل‌های جامعه‌شناختی سعی در تبیین پدیده باروری دارند، زیرا باروری واقعی صرفاً فیزیکی نیست، بلکه پدیده‌ای مبتنی بر ذهنیات و تفکرات فردی است که در کشورهای در حال توسعه عوامل انگیزشی به دو صورت در باروری تأثیر دارد. به دلیل مرگ بالای اطفال، به دلیل حیات خانواده فرزند بیشتری به دنیا می‌آورند که افزایش خدمات بهداشتی و کاهش مرگ‌ومیر کودکان نه تنها تغییر نمی‌کند، بلکه با شدت قبل ادامه دارد. دوم به دلیل انگیزه‌هایی درباره برتری جنسی فرزندان و منافع اقتصادی فرزندان

1. second demographic transition

2. Lesthaeghe & Neidert

باز هم باروری در سطح بالایی قرار دارد [۱۷ ص ۵۵]. تغییر ارزش‌های خانواده همچون ازدواج و فرزندآوری در جوامع غیر غربی (مانند ایران) با وجود تفاوت‌های فرهنگی، مهم و چشمگیر است. تغییراتی همچون تبدیل خانواده گسترده به هسته‌ای، خانواده‌گرایی به فردگرایی، کنترل خانواده به جوانان، تغییرات از باروری طبیعی به فرزندآوری کنترل شده، تعداد فرزندان بیشتر به تعداد فرزندان کمتر از عمده تغییرات ناشی از این گذار بوده است [۳، ص ۲۶۷-۲۶۸].

بر اساس نظریه تغییرات فرهنگی اینگلهارت^۱، توسعه اقتصادی و گسترش رسانه‌های جمعی در سال‌های اخیر تغییراتی را در ایدئال‌های افراد و گروه‌ها به وجود آورده است. دیدگاه او چگونگی تأثیر توسعه اقتصادی و رشد تکنولوژیک و ارضای نیازهای اساسی در جامعه بر ظهور نیازهای پسمادی مانند عزت نفس و خودشکوفایی و دستیابی به منزلت اجتماعی بین جوانان و نسل جدید را مشخص می‌کند. این مسئله نیز با اهمیت است که نسل جوان، برخلاف افراد مسن‌تر، بیشتر برای نیازهای غیرمادی، مانند کیفیت زندگی، اولویت قائل‌اند. از دیدگاه اینگلهارت، فرضیه کمیابی به دگرگونی‌های کوتاه‌مدت و فرضیه اجتماعی‌شدن بر آثار بلندمدت نسلی اشاره دارد. این دو فرضیه با هم مجموعه یکپارچه‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند. نتیجه این وضعیت، تمایز دیدگاه و ایدئال‌های نسل‌های مختلف تاریخی در خصوص فرزندآوری است؛ مثلاً، نسل متولدان دوره انقلاب و جنگ، با توجه به تجارب تاریخی آن زمان و تغییر ساختارهای اقتصادی، ایدئال‌های فرزندآوری متفاوتی از نسل‌های پس از انقلاب و جنگ در ایران دارند که بیشتر خواهان کیفیت زندگی و گریزان از برخی ارزش‌های خانواده، همچون فرزند و فرزندآوری، هستند. با نزدیک‌شدن به دوره‌های اخیر، شدت تأثیر جهانی‌شدن بیشتر شده و فرزندآوری معنای سنتی و قدیمی خود را از دست داده است، در نتیجه معنای جدیدی بین این نسل‌ها پیدا می‌کند [۳، ص ۲۶۵-۲۶۶]. اینگلهارت معتقد است که ارزش‌ها و نگرش‌های رایج در میان نسل‌های پیشین از سوی نسل جوان به طور کامل دنبال نمی‌شود. بلکه نسل جدید با نشستن به جای افراد نسل پیش، ارزش‌های متفاوت خود را نیز جایگزین می‌کنند و جهان‌بینی متداول در جامعه را همگام با جایگزینی خود تغییر می‌دهند [۴۰، ص ۱۱۵].

بک و بک-گرنشایم (۱۹۹۵ و ۲۰۰۲) در بحث بر روی مخاطرات در جوامع جدید از احساس ناامنی و ترس از شکست به عنوان مخاطره نام می‌برند که تصمیم‌گیری را برای فرد سخت می‌کند. فرد در بین احتمالات زندگی، مرگ، جنسیت، بدن، هویت، مذهب، ازدواج، پدر و مادری و روابط اجتماعی قرار می‌گیرد. همه این موارد در حال تبدیل‌شدن به یک قطعه تصمیم‌پذیر در بین انتخاب‌ها هستند؛ به طوری که درباره همه چیز باید تصمیم‌گیری کرد [۵۲، ص ۵]. در این وضعیت، انتخاب‌هایی که زندگی افراد را برای سالیان متمادی شکل می‌دهد به

1. Inglehart

یک شرط‌بندی بزرگ تبدیل می‌شود. در این زمینه، تصمیم به فرزندآوری دیگر مسئله‌ای پیش پا افتاده نبوده و در تقابل با دیگر تصمیم‌ها خواهد بود [۲۰، ص ۱۰۳].

اولریک بک و بک-گرنشایم (۲۰۰۲) مهم‌ترین دلایل کاهش تمایل به فرزندآوری را در تغییر ارزش‌ها و ایده‌های فردی جست‌وجو می‌کنند که در امتداد تغییرات ساختاری ایجاد شده و گسترش یافته است [۵۲]. به اعتقاد بک (۱۹۹۲) فردی‌شدن همان فرایند از دست دادن اطمینان، از هم‌پاشیدگی و استقرار مجدد افراد در جامعه از طریق به‌کارگیری و استقرار سیستم‌ها و ارزش‌های جدید است و افراد این فرایند را یا به میل خود تجربه خواهند کرد یا وادار به تجربه آن خواهند شد [۵۳]. از نظر بک و بک-گرنشایم [۵۸، ص ۳]، فردی‌شدن به این معناست که زنان و مردان از نقش‌های جنسی تعیین‌شده از سوی جامعه صنعتی برای زندگی در خانواده هسته‌ای رها شده‌اند و علاوه بر این با تشدید این وضعیت، افراد خود را در رنج و زبان مادی می‌یابند و زندگی خود را از طریق بازار کار، آموزش و تحرک می‌سازند و اگر لازم باشد، دستیابی به چنین زندگی به قیمت از دست دادن تعهدات خود به خانواده، روابط و دوستان خواهد بود.

به نظر بک و بک-گرنشایم [۵۲، ص ۵۶]، فردی‌شدن قلمرو جدیدی برای کنش و تصمیم‌گیری و فرصت جدیدی پیش روی زنان می‌گشاید و درعین‌حال، بلا تکلیفی‌ها، تضادها و فشارهای جدید فشارهای دیدی به همراه دارد. زنان تا اندازه‌ی زیادی دیگر به نقش‌های انتسایبی (مادری و همسری) محدود نیستند و می‌توانند با شایستگی و تلاش زندگی خود را شکل می‌دهند.

بک و بک-گرنشایم معتقدند هنگامی که طیف انتخاب‌ها گسترش و ضرورت تصمیم‌گیری بین افراد افزایش می‌یابد، نیاز زیادی به کنش‌های فردی، تطبیق، هماهنگی و ائتلاف وجود دارد [۵۲، ص ۴]. بنابراین، آزادی عمل و اختیار برای تصمیم‌گیری به جنبه‌ی فردی تبدیل می‌شود و از نفوذ ارزش‌های اجتماعی کاسته می‌شود [۵۲، ص ۲۴].

باومن (۱۳۸۷) معتقد است که در عصر ما کودکان به ابژه‌های مصرف‌والدین تبدیل شده‌اند. این در حالی است که اصولاً رضایت خاطر مورد انتظار از ابژه مصرف را برحسب قیمت آن می‌سنجند، ولی هزینه مادی و معنوی که برای پرورش فرزند از سوی والدین پرداخت می‌شود، بسیار زیاد و غالباً در بدو امر غیر قابل محاسبه است. از نظر باومن، شادی‌های پدر و مادر بودن به تعبیری در معامله‌ای کلی با غم از خودگذشتگی و ترس از خطرهای ناشناخته همراه است [۹، ص ۸۰]. به همین دلیل، زوجها ممکن است از فرزندآوری منصرف شوند یا تعداد فرزندان خود را محدود کنند [۲۳، ص ۷۸]. براساس آنچه گفته شد، می‌توان فرضیه‌هایی را به شرح ذیل طرح کرد:

فرصیه‌های پژوهش

۱. بین هزینه فرزندان و ایدئال‌های فرزندآوری دو نسل از زنان شهر تبریز (۱۵-۳۴ و ۳۵-۴۹ ساله) رابطه معناداری دارد؛
۲. بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان و ایدئال‌های فرزندآوری دو نسل از زنان شهر تبریز (۱۵-۳۴ و ۳۵-۴۹ ساله) رابطه معناداری دارد؛
۳. بین سن ازدواج و ایدئال‌های فرزندآوری دو نسل از زنان شهر تبریز (۱۵-۳۴ و ۳۵-۴۹ ساله) رابطه معناداری دارد.

روش پژوهش و ابزار پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، از نوع کاربردی، به لحاظ زمانی مقطعی و به شیوه پیمایش به اجرا درآمده است. این تحقیق در نیمه دوم سال ۱۳۹۶ به اجرا گذاشته شده است. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه به‌عنوان ابزار اصلی گردآوری اطلاعات جمع‌آوری شده است. جامعه آماری در این پژوهش، کلیه زنان متأهل ۱۵-۴۹ ساله ساکن شهر تبریز طبق آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و با تعداد ۶۱۱ هزار و ۷۹۳ نفر بودند که از این تعداد ۴۴۶ نفر با استفاده از فرمول کوکران به‌عنوان حجم نمونه تعیین شده‌اند. واحد تحلیل در این پژوهش فرد است. شیوه نمونه‌گیری این پژوهش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است که در مناطق دهگانه تبریز انجام گرفته است. میزان جمعیت هر منطقه مشخص شده و در هر منطقه بلوک‌ها یا محله‌هایی به صورت تصادفی انتخاب شد. نهایتاً از هر بلوک، خانه‌هایی به صورت تصادفی انتخاب شدند. حجم نمونه به تناسب جمعیت مناطق به هر منطقه مشخص و پرسش‌نامه‌ها توزیع شد. در بررسی اعتبار صوری پرسش‌نامه از آرای استادان و متخصصان مطلع و باسابقه در حیطه موضوعی استفاده شد. در اعتبار سازه‌ای سؤال‌های پرسش‌نامه براساس چارچوب نظری تحقیق و پیشینه تجربی طراحی شده است. پردازش آماری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده است.

متغیر وابسته تحقیق ایدئال‌های فرزندآوری است. در این پژوهش ایدئال‌های فرزندآوری از نظر تعداد ایدئال فرزندان بررسی شده است. این متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای و از طریق پرسش درباره اینکه «در طول زندگی دوست دارید صاحب چند فرزند شوید؟» اندازه‌گیری شده است. متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی یکی از متغیرهای مستقل تحقیق است که در تعریف عملیاتی آن، از مؤلفه‌های میزان تحصیلات فرد و همسر وی، میزان درآمد فرد و همسر وی، ارزش ملک و وسیله نقلیه خانواده استفاده شده است. متغیر سن ازدواج با پرسش در مورد اینکه فرد در چه سنی ازدواج کرده است عملیاتی شده است. هزینه‌های فرزندان متغیر مستقل دیگر پژوهش بوده که در این پژوهش با ۷ گویه درباره

داشتن فرزند زیاد برای آینده والدین، افزایش درآمد خانواده با ازدیاد فرزندان، داشتن فرزندان زیاد برای کمک در امور خانه، عدم تأثیر تعداد فرزندان بر سطح تحصیلات آن‌ها، داشتن فشار مالی زیاد در صورت ازدیاد فرزندان، ایجاد اضطراب روانی در صورت داشتن فرزند زیاد، فرزند زیاد به منزله مانعی برای تحقق علایق والدین سنجیده شده است. نحوه طرح گویه‌ها به صورتی بوده که برخی گویه‌ها با گویه‌های دیگر هم‌مسیر نبوده و در جهت معکوس هم بوده است. بنابراین، در کدگذاری گویه‌ها، بعد از اینکه گویه‌ها با کدگذاری مجدد هم‌مسیر شدند، باهم ترکیب شده و متغیر هزینه فرزندان به دست آمده است. از بین متغیرها، پایایی دو متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی و هزینه فرزند بررسی شده است. مقدار آلفای پایگاه برابر با ۰/۷۸ و مقدار آلفا برای هزینه فرزند برابر با ۰/۷۲ به دست آمده که بیانگر همبستگی درونی بالای بین گویه‌های متغیرهای مذکور است.

یافته‌های پژوهش

مطابق نتایج به دست آمده و مندرج در جدول ۱، از مجموع ۴۴۶ نفر زن متأهل پاسخ‌گویی پرسش‌نامه، ۲۲۶ نفر (۵۰/۷ درصد) در گروه سنی ۱۵-۳۴ ساله و ۲۰۰ نفر (۴۷/۱ درصد) آن‌ها در گروه سنی ۳۵-۴۹ ساله قرار دارند.

در میزان تحصیلات پاسخ‌گویان، بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به پاسخ‌گوییانی است که دارای تحصیلات دیپلم و لیسانس و کمترین فراوانی مربوط به زنانی است که بی‌سواد (۰/۹ درصد) یا دارای تحصیلات در حد ابتدایی (۹/۹ درصد) هستند. در میزان تحصیلات همسر، بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به پاسخ‌گوییانی است که همسرشان دارای تحصیلات دیپلم و لیسانس و کمترین فراوانی مربوط به زنانی است که همسرشان بی‌سواد (۰/۴ درصد) یا دارای تحصیلات در حد ابتدایی (۵/۶ درصد) هستند.

از مجموع پاسخ‌گویان، ۳۱۸ نفر (۷۱/۳ درصد) خانه‌دار، ۳۶ نفر (۸/۱ درصد) محصل، ۹ نفر (۲/۰ درصد) بازنشسته، ۳۵ نفر (۷/۸ درصد) شغل آزاد، ۳۲ نفر (۷/۲ درصد) کارمند بخش خصوصی و ۱۵ نفر (۳/۴ درصد) کارمند بخش دولتی هستند. در مورد شغل همسر، با توجه به نتایج می‌توان گفت وضعیت اشتغال ۸ نفر (۱/۷ درصد) بیکار، ۶ نفر (۱/۳ درصد) محصل، ۴۵ نفر (۱۰/۱ درصد) بازنشسته، ۲۴۶ نفر (۵۵/۲ درصد) شغل آزاد، ۴۳ نفر (۹/۶ درصد) کارمند بخش خصوصی و ۹۸ نفر (۲۲ درصد) کارمند بخش دولتی هستند.

از لحاظ درآمد نیز، ۳۱۸ نفر از زنان پاسخ‌گو (۷۱/۳ درصد) اظهار داشته‌اند که درآمدی ندارند و در مقابل فقط ۲۱ نفر (۴/۷ درصد) درآمد بالای یک میلیون و ششصد هزار تومان داشته‌اند. در سؤال مربوط به درآمد همسر پاسخ‌گو، ۹ نفر (۲/۰ درصد) بدون درآمد بوده و نزدیک به نیمی از پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که همسرشان درآمدی بیش از یک میلیون و ششصد هزار تومان دارند.

جدول ۱. نتایج توصیفی مربوط به متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	درصد (فراوانی)
سن	۱۵-۳۴ سال (۲۲۶) ۵۰٫۷
	۳۵-۴۹ سال (۲۰۰) ۴۷٫۱
تحصیلات پاسخ‌گو	بی‌سواد و ابتدایی (۲۷) ۶٫۱
	راهنمایی و دبیرستان (۴۴) ۹٫۹
	دیپلم (۲۰۴) ۴۵٫۷
	لیسانس (۱۵۲) ۳۴٫۱
تحصیلات همسر	فوق لیسانس و بالاتر (۱۹) ۴٫۳
	بی‌سواد و ابتدایی (۲۷) ۶
	راهنمایی و دبیرستان (۵۰) ۱۱٫۲
	دیپلم (۱۵۹) ۳۵٫۷
وضعیت شغلی پاسخ‌گو	لیسانس (۱۵۲) ۳۴٫۱
	فوق لیسانس و بالاتر (۵۸) ۱۳
	خانه‌دار (۳۱۸) ۷۱٫۳
	محصل (۳۶) ۸٫۱
	بازنشسته (۹) ۲
	شغل آزاد (۳۵) ۷٫۸
وضعیت شغلی همسر پاسخ‌گو	کارمند خصوصی (۳۲) ۷٫۲
	کارمند دولتی (۱۵) ۳٫۴
	بیکار (۸) ۱٫۷
	محصل (۶) ۱٫۳
	بازنشسته (۴۵) ۱۰٫۱
	شغل آزاد (۲۴۶) ۵۵٫۲
درآمد پاسخ‌گو	کارمند خصوصی (۴۳) ۹٫۶
	کارمند دولتی (۹۸) ۲۲
	ندارم (۳۱۸) ۷۱٫۳
	کمتر از ۸۰۰ هزار (۵۹) ۱۳٫۳
	بین ۸۰۰ هزار تا ۱۲۰۰ (۳۲) ۷٫۳
درآمد همسر پاسخ‌گو	بین ۱۲۰۰ تا ۱۶۰۰ (۱۵) ۳٫۴
	بیش از ۱۶۰۰ (۲۱) ۴٫۷
	ندارم (۹) ۲
	کمتر از ۸۰۰ هزار (۴۶) ۱۰٫۳
	بین ۸۰۰ هزار تا ۱۲۰۰ (۷۸) ۱۷٫۵
بین ۱۲۰۰ تا ۱۶۰۰ (۹۳) ۲۰٫۹	
بیش از ۱۶۰۰ (۲۱۹) ۴۹٫۳	

براساس جدول ۲ که آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرها را در دو گروه سنی ۱۵-۳۴ و ۳۵-۴۹ ساله نشان می‌دهد، مقدار میانگین شاخص پایگاه اقتصادی و اجتماعی در گروه سنی ۱۵-۳۴ ساله برابر با ۰/۲۸۳ در حد فاصل بین ۱/۳۳- و ۱/۴۹ و در گروه سنی ۳۵-۴۹ ساله، مقدار میانگین شاخص پایگاه اقتصادی و اجتماعی برابر با ۰/۱۵- حد فاصل بین ۱/۱۹- و ۱/۹۲ است. با توجه به نتایج مندرج در جدول ۲، بین زنان متأهل ۱۵-۳۴ ساله میانگین سن ازدواج برابر ۲۰/۸۵ سالگی، حد فاصل بین ۱۵ (حداقل) و ۳۵ (حداکثر)، گزارش داده شده است. در بین زنان ۳۵-۴۹ ساله نیز میانگین سن ازدواج ۲۰/۵۹ سالگی، حداقل سن ازدواج در ۱۵ سالگی و حداکثر آن در سن ۳۵ سالگی، گزارش شده است.

میانگین متغیر هزینه‌های فرزندان بین زنان متأهل ۱۵-۳۴ ساله برابر با ۴/۰۳ (در فاصله بین ۱ تا ۱۶ کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) و بین زنان متأهل ۳۵-۴۹ ساله برابر با ۴/۰۵ (در فاصله بین ۱ تا ۱۶ کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) است. این مقدار میانگین نشان‌دهنده آن است که بیشتر پاسخ‌گویان معتقد به هزینه‌دار بودن فرزندان هستند و داشتن فرزند زیاد برایشان هزینه زیادی دربر خواهد داشت تا منافع آن‌ها.

با توجه به جدول ۲، میانگین تعداد ایدئال فرزندان در گروه سنی زنان متأهل ۱۵-۳۴ ساله، ۲/۴۶ و در گروه سنی زنان متأهل ۳۵-۴۹ ساله برابر با ۲/۴۵ است که تقریباً نزدیک به هم هستند. حداقل تعداد ایدئال فرزندان برای هر دو گروه سنی برابر با صفر و حداکثر تعداد ایدئال فرزندان برای هر دو گروه سنی برابر با ۶ است.

جدول ۲. آماره توصیفی مربوط به متغیر ایدئال‌های زنان برای فرزندآوری

متغیر	میانگین	حداقل	حداکثر	چولگی		کشیدگی	
				انحراف معیار	آماره	انحراف معیار	آماره
تعداد ایدئال فرزندان	۲/۴۵	۰	۶	۱/۰۵	۰/۵۵۳	۰/۱۶۲	۰/۵۶۳
هزینه فرزندان	۴/۰۳	۱	۶	۰/۹۵۴	-۰/۳۱۵	۰/۱۶۲	۰/۱۸۱
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۰/۲۸۳	-۱/۳۳	۱/۴۹	۰/۵۱۸	۰/۲۱۷	۰/۱۶۲	۰/۱۱۸
سن ازدواج	۲۰/۸۵	۱۵	۳۲	۳/۴۷۷	۰/۸۷۸	۰/۱۶۲	۰/۵۰۸
	۲۰/۵۹	۱۵	۳۵	۴/۰۵۲	۱/۰۷۶	۰/۱۷۳	۱/۲۹۵

در تحلیل دومتغیره برای سنجش رابطه بین متغیرهای مستقل (پایگاه اقتصادی اجتماعی، سن ازدواج و هزینه فرزندان) و وابسته (ایدئال فرزندآوری) از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده و این آزمون به تفکیک بین گروه‌های سنی به اجرا گذاشته شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای وابسته و مستقل

متغیرها	گروه‌های سنی	ایدئال‌های فرزندآوری زنان
پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان	۳۴-۱۵	ضریب همبستگی -۰/۱۲۵
	۴۹-۳۵	سطح معناداری ۰/۰۶
سن ازدواج	۳۴-۱۵	ضریب همبستگی -۰/۱۳۵
	۴۹-۳۵	سطح معناداری ۰/۰۳
	۴۹-۳۵	ضریب همبستگی ۰/۰۷۴
	۳۴-۱۵	سطح معناداری ۰/۳۴۰
هزینه فرزند	۳۴-۱۵	ضریب همبستگی -۰/۴۷۸
	۴۹-۳۵	سطح معناداری ۰/۰۰۰
		ضریب همبستگی -۰/۳۲۷
		سطح معناداری ۰/۰۰۰

براساس نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون مندرج در جدول ۳ بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان هر دو نسل با ایدئال‌های فرزندآوری زنان، رابطه معناداری مشاهده نشد. نتایج همبستگی سن ازدواج و ایدئال‌های فرزندآوری نشان‌دهنده معناداری رابطه بین دو متغیر است. جهت رابطه معکوس است. به بیان دیگر، هرچه سن ازدواج زنان متأهل ۱۵-۳۴ ساله بیشتر می‌شود، از تعداد ایدئال فرزندان در بین آن‌ها کاسته می‌شود. در مقابل، هیچ رابطه معناداری بین سن ازدواج و ایدئال‌های فرزندآوری در بین زنان متعلق به نسل ۳۵-۴۹ سال مشاهده نشد. همچنین مطابق با نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین هزینه‌های فرزند و ایدئال فرزندآوری، در هر دو نسل از زنان این رابطه معنادار، شدت رابطه در حد متوسط و جهت رابطه معکوس است. به عبارت بهتر، هرچه هزینه‌های فرزند در نظر زنان دو نسل ۱۵-۳۴ سال و ۳۵-۴۹ بالا می‌رود، از تعداد ایدئال‌های فرزندآوری کاسته می‌شود و معکوس.

به منظور بررسی و پیش‌بینی متغیر ایدئال‌های فرزندآوری براساس متغیرهای مستقل و نیز برای بررسی سهم هریک از متغیرها در پیش‌بینی ایدئال‌های فرزندآوری زنان از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شد. در این تحلیل، متغیرهای هزینه فرزندان، سن ازدواج، پایگاه اجتماعی، اقتصادی زنان به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و ایدئال فرزندآوری به‌عنوان متغیر ملاک مورد نظر بوده و با محقق‌شدن پیش‌فرض‌های رگرسیونی به بررسی نتایج

حاصل از رگرسیون پدراخته شد. نتایج مندرج در جدول ۴ و ۵ نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده در این مدل در مجموع توانسته‌اند به ترتیب در نسل ۱۵-۳۴ سال، به میزان ۲۲ درصد و در نسل ۳۵-۴۹ سال، به میزان ۱۰ درصد از واریانس متغیر ایدئال فرزندآوری را تبیین کنند.

جدول ۴. آماره‌های تحلیل رگرسیونی ایدئال‌های فرزندپروری زنان گروه سنی ۱۵-۳۴ ساله

متغیرها	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		t	sig
	B	خطای استاندارد	Beta	خطای استاندارد		
عرض از مبدأ	۴,۵۹	۰,۲۶۹	-		۱۷,۰۸	۰,۰۰۰
هزینه‌های فرزندان	-۰,۵۲۹	۰,۰۶۵	-۰,۴۷۹		-۸,۱۵	۰,۰۰۰
$R^2 = ۰,۲۳۰$ $R^2 \text{ adjusted} = ۰,۲۲۶$ $F = ۶۶,۴۹$ $Sig = ۰,۰۰۰$						
آماره‌های مربوط به متغیرهای خارج شده از مدل رگرسیون نهایی						
متغیرها	Beta	t	سطح معناداری	همبستگی جزئی	تولرانس	
سن ازدواج	-۰,۰۵۵	-۰,۹۲۴	۰,۳۶۵	-۰,۰۶۲	۰,۹۷۰	
پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان	-۰,۰۸۴	-۱,۴۳	۰,۱۵۳	-۰,۰۹۶	۰,۹۹۲	

جدول ۵. آماره‌های تحلیل رگرسیونی ایدئال‌های فرزندپروری زنان گروه سنی ۳۵-۴۹ ساله

متغیرها	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		t	sig
	B	خطای استاندارد	Beta	خطای استاندارد		
عرض از مبدأ	۴,۱۴	۰,۳۵۴			۱۱,۶۹	۰,۰۰۰
هزینه‌های فرزندان	-۰,۴۱۵	۰,۰۸۵	-۰,۳۲۷		-۴,۸۷	۰,۰۰۰
$R^2 = ۰,۱۰۷$ $R^2 \text{ adjusted} = ۰,۱۰۳$ $F = ۲۳,۷۵$ $Sig = ۰,۰۰۰$						
آماره‌های مربوط به متغیرهای خارج شده از مدل رگرسیون نهایی						
متغیرها	Beta	t	سطح معناداری	همبستگی جزئی	تولرانس	
سن ازدواج	-۰,۰۶۶	-۰,۹۶۷	۰,۳۲۶	-۰,۰۷۰	۱,۰۰	
پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان	-۰,۰۵۷	-۱,۴۰	۰,۳۹۸	-۰,۰۶۰	۰,۹۹۵	

مطابق با نتایج مندرج در جدول ۴ و ۵، در هر دو نسل، متغیرهای سن ازدواج و پایگاه

اقتصادی اجتماعی از معادله خارج شده‌اند و بنابراین تأثیری در تبیین ایدئال‌های فرزندآوری زنان گروه سنی ۱۵-۳۴ ساله نداشته‌اند. در مقایسه تأثیر متغیر باقی‌مانده در مدل (هزینه فرزند) بر متغیر وابسته (ایدئال فرزندآوری)، در نسل ۱۵-۳۴ سال متغیر مستقل قدرت تبیین بهتر و بیشتری داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

به‌زعم جمعیت‌شناسان در مواقعی که باروری پایین در جامعه گسترش پیدا می‌کند، توجه و مطالعه بر روی نگرش‌ها و رفتارهای باروری از اهمیت اساسی برخوردار می‌شود، زیرا مطالعه این ایدئال‌ها می‌تواند مسیر و روندهای آتی تحولات خانواده را تا حدودی شناسایی و ترسیم کند. نتایج تحقیق حاضر می‌تواند در این راستا مطرح شود. براساس نتایج به‌دست‌آمده، میانگین ایدئال‌های دو نسل از زنان ۱۵-۳۴ ساله و ۳۵-۴۹ ساله بسیار نزدیک به هم بوده (۲/۴۵ و ۲/۴۶) و تفاوتی باهم ندارند. نتایج حاصل از آزمون رابطه بین متغیر ایدئال فرزندآوری زنان متأهل و پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان نشان داد که در هیچ‌یک از گروه‌های سنی زنان متأهل رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد. براساس این نتایج، ایدئال‌های فرزندآوری زنان مستقل از پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان است و به تعبیری روشن‌تر، پایگاه زنان عامل تفاوت در ایدئال آن‌ها برای فرزندآوری نیست. این نتیجه با نتایج برخی از تحقیقات مانند صادقی و سرایی (۱۳۹۵) همسو بوده و در مقابل با برخی دیگر از جمله احمدی و همکاران (۱۳۹۸)، ترابی و همکاران (۱۳۹۶) جمشیدیها و همکاران (۱۳۹۰)، قاسمی اردهایی و همکاران (۱۳۹۷)، ارجمند سیاه‌پوش و برومند (۱۳۹۵)، حسینی و بگی (۱۳۹۱) ناهمسوست. نتایج تحقیق حاضر درعین حال همسو با تحقیق چابکی و همکاران (۱۳۹۷) است. براساس تحقیق چابکی، درآمد خانواده در مقایسه با رشد ارزش‌های جدید کمترین قدرت را در تبیین فرزندآوری زنان دارد.

در بررسی آزمون همبستگی بین متغیر سن ازدواج و ایدئال باروری زنان، چنین برداشت می‌شود که بین زنان متأهل در نسل ۱۵-۳۴ ساله سن ازدواج رابطه معکوس معنادار با ایدئال آن‌ها برای فرزندآوری دارد. این رابطه بین زنان متأهل ۳۵-۴۹ ساله معنادار نیست. این نتیجه همسو با تحقیق ترابی و شیدانی (۱۳۹۸)، ترابی و همکاران (۱۳۹۶)، چمنی، شکرپیگی و مشفق (۱۳۹۵)، حمیدی‌فر و همکاران (۱۳۹۵)، نقدی و زارع (۱۳۹۲) و کلانتری و همکاران (۱۳۸۵) است. به این معنا که هرچه سن زن در هنگام ازدواج کمتر باشد، تعداد فرزندان آن‌ها بیشتر است. چون در طول افزایش سن امکان فرزندآوری زنان افزایش می‌یابد و آنان می‌توانند تعداد مطلوب خود را به دنیا آورند و از طرف دیگر با افزایش سن، آنان بیشتر تحت تأثیر آداب و رسوم و عقاید و هنجارهای مربوط به باروری بالاتر قرار دارند و این محرک تعداد بیشتر فرزندان

است. ولی ناهمسو با تحقیق محمودیانی گیلان (۱۳۹۳) است که در بررسی رابطه بین سن ازدواج و باروری ایدئال زنان کرمانشاه به این نتیجه رسیده که افرادی که دیرتر ازدواج می‌کنند، تمایل دارند بچه‌های بیشتری داشته باشند.

براساس نتایج به‌دست‌آمده، بین هزینه فرزندان و ایدئال فرزندآوری در هر دو نسل از زنان رابطه معنادار معکوس وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه هزینه فرزندان بین زنان متأهل ۱۵-۴۹ ساله بیشتر باشد، تعداد ایدئال فرزندان بین آن‌ها کاهش می‌یابد. براساس نظریه اقتصاد باروری بکر [۵۴]، می‌توان گفت زنان امروزی با توجه به سطح هزینه و درآمد خود نسبت به داشتن فرزند تصمیم می‌گیرند و فرزندان را به‌منزله کالای اقتصادی فرض می‌کنند. براساس نظریه هزینه و منافع فرزند لیبنشتاین، تعادل بین هزینه و منفعت بر تصمیم‌گیری افراد در مورد فرزندآوری تأثیر می‌گذارد. لیبنشتاین رفتار باروری را رفتاری اقتصادی عقلانی می‌داند که در آن افراد با محاسبه هزینه‌های مستقیم (هزینه آموزش و تربیت فرزند) و غیرمستقیم (هزینه‌های هدررفت به لحاظ زمانی برای نگهداری فرزند)، در مورد فرزندآوری تصمیم می‌گیرند و همچنین مبتنی بر نظریه جریان ثروت نسلی کالدول، فرزندان هیچ سود و منفعتی برای والدین ندارند و والدین صرفاً کمک‌دهنده به فرزندان‌اند. در این وضعیت، تمایل به فرزندآوری امری زیان‌بار تلقی می‌شود. این نتیجه همسو با نتیجه تحقیق ترکیان و لاشانی و همکاران (۱۳۹۸)، حمیدی‌فر و همکاران (۱۳۹۶)، عسگری ندوشن و همکاران (۱۳۹۴)، مودنا و همکاران (۲۰۱۳) و لاک لند و همکاران (۲۰۰۵) است.

برخی دیگر از نظریه‌پردازان، مانند لسته‌هاک و نیدرت (۲۰۰۶)، اینگلهارت و گیدنز بر تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها و در نتیجه تغییر رویه‌های شخصی و خانوادگی تأکید دارند. گیدنز معتقد است برخلاف این تصور که داشتن درآمد، رفاه به همراه آورده و افراد را به فرزندآوری ترغیب می‌کند یا به عبارتی اگر تصور شود که بخش مهمی از علل عدم تمایل به فرزندآوری ناشی از احساس ناامنی و عدم اطمینان به آینده خانواده و فرزندان است، مطرح می‌کند که داشتن درآمد امکان کنترل باروری را فراهم می‌کند و فرزندآوری را کاهش می‌دهد. گیدنز با تأکید بر قدرت بازاندیشی افراد در دنیای امروزی، به جدایی رابطه جنسی و فرزندآوری از همدیگر و دگرگونی صمیمیت در زندگی زناشویی اشاره می‌کند. اینگلهارت با اذعان به اینکه امروزه فرزندآوری معنای قدیمی و سنتی خود را از دست داده و ما شاهد جایگزین شدن ارزش‌های متفاوت و جدید توسط نسل جوان‌تر و نشستن این نسل به جای نسل‌های پیشین با ارزش‌های جدید و رویه‌های جدید و متفاوت هستیم.

درنهایت، نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره در این پژوهش نشان داد که در هر دو نسل از زنان متأهل یعنی ۱۵-۳۴ و ۳۵-۴۹ ساله متغیر هزینه فرزندان دارای بیشترین میزان تبیین واریانس متغیر وابسته (ایدئال زنان برای فرزندآوری) بوده است. در تأیید این نتیجه می‌توان به استدلال بک و بک-گرنشایم (۲۰۰۲) اشاره کرد. از نظر این دو، افراد در جامعه امروزی با

شرایط نااطمینانی و مخاطرات مختلف و متعدد مواجه‌اند. زندگی امروزی با تهدیدها و سختی‌های خاص خود، انتخاب‌های متعددی را پیش روی افراد قرار داده و درواقع، زندگی به یک شرط‌بندی بزرگ تبدیل می‌شود. فرزندآوری به‌عنوان یکی موضوعات پیش رو، با ریسک زیادی همراه بوده و امری پیش پا افتاده نیست. موضوع فرزندآوری گاهی می‌تواند در تقابل با دیگر تصمیم‌ها قرار گیرد و زندگی افراد را متأثر کند. براساس تحقیقات مختلف صورت‌گرفته در سطح کشور، بسیاری از زنان ترجیح می‌دهند فرزندی نداشته باشند یا فرزندان کمی داشته باشند، زیرا فرزنددار شدن را به نوعی با وضعیت دشواری که برایشان وجود دارد یا ممکن است وضعیت موجودشان تحت‌تأثیر قرار گیرد دارای منافات می‌دانند.

طبق این مطالعه، یافته‌ها نشان می‌دهد که با پیشروی در گروه‌های سنی، نقش متغیرهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر نگرش زنان، درخصوص ایدئال باروری، کاهش می‌یابند. در جامعه به نظر می‌رسد نوعی همگرایی در ایدئال‌های باروری به سمت دو فرزند وجود دارد. نتایج مطالعات قبلی انجام‌شده نیز در ایران (رازقی نصرآبادی و همکاران ۲۰۲۰) مؤید آن است که در سالیان اخیر، تفاوت در رفتارها و ایدئال‌های باروری در میان گروه‌های اجتماعی و اقتصادی مختلف از زنان متأهل در سنین باروری، که تمایزات بسیاری در بیشتر مشخصه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی داشته‌اند، محو شده است و هم‌زمان با کاهش باروری روند همگرایی را تجربه کرده‌اند. درمجموع این همگرایی در ایدئال‌های باروری زنان حاکی از تحولات عمیق‌تر اجتماعی و فرهنگی است که در خانواده‌ها اتفاق افتاده است. زنان در دنیای امروز از شرایط جدید جامعه متأثر شده و از الگوهای باروری نسل‌های قبل تر فاصله گرفته‌اند و تحت‌تأثیر هنجارهای جدیدی عمل می‌کنند که مستقل از بسیاری از تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی آن‌هاست.

بررسی ادبیات مسئله نشان داده است که تمایلات و ایدئال‌های باروری به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای باروری است و روند تغییرات باروری به چگونگی تغییرات این فرایند بستگی دارد. ایدئال‌های باروری اگر بتوانند سطوح باروری را به طور دقیق پیش‌بینی کنند، می‌توانند در مورد چگونگی تغییرات باروری در آینده اطلاعاتی ارائه دهند. با کاهش باروری، آگاهی از ایدئال‌های افراد در زمینه تعداد فرزندان و تعیین‌کننده‌های آن، به منظور اتخاذ سیاست‌های جمعیتی متناسب با بستر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران به‌تازگی مورد توجه محققان جمعیتی قرار گرفته است. بررسی حاضر روی تفاوت‌های بین‌نسلی در تعداد ایدئال فرزندان و عوامل مؤثر بر آن نشان داد تعداد فرزندان ایدئال هر دو نسل به هم نزدیک و حدود ۲ فرزند است. همگرایی در ایدئال دوفرزندی در سطوح مختلف نسلی می‌تواند ناشی از تغییرات اجتماعی باشد که در سالیان اخیر در جهت تمایل به فرزند کمتر بوده است و از طریق برخی مکانیزم‌ها نظیر: افزایش هزینه‌های زندگی و تربیت فرزندان، تغییرات نگرشی در جامعه و... ایدئال‌های فعلی افراد را تحت‌الشعاع قرار داده باشد.

منابع

- [۱] احمدی، علی‌پار؛ فیضی، میلاد؛ کریمی، حامد (۱۳۹۸). «تعیین‌کننده‌های باروری زیر حد جایگزین زنان کرد»، فصل‌نامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، س ۱۴، ش ۴۸، ص ۹۷-۱۲۰.
- [۲] ارجمند سیاه‌پوش، اسحق؛ برومند، ناهید (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر گرایش به فرزندآوری در شهر اندیمشک با تأکید بر سبک زندگی»، مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، س ۶، ش ۲۱، ص ۹-۲۴.
- [۳] اوجاقلو، سجاد؛ سرایی، حسن (۱۳۹۳). «مطالعه تغییرات زمانی ارزش فرزند در ایران (مطالعه زنان شهر زنجان)»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، س ۳، ش ۲، ص ۲۶۱-۲۸۴.
- [۴] اوجاقلو، سجاد؛ مرادی، عباس؛ قاسمی، ابراهیم؛ ارشدی، جمال (۱۳۹۳). «تغییرات نسلی ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری زنان پیش و پس از انقلاب اسلامی»، زن در فرهنگ و هنر، س ۶، ش ۳، ص ۴۰۹-۴۲۵.
- [۵] ایدر، نبی‌الله و درستی، امیر علی (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر اطلاعات و نگرش‌های جمعیتی بر رفتار باروری فرهنگیان شهرستان شوشتر»، فصل‌نامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، س ۶، ش ۱۸.
- [۶] ایمان، محمدتقی؛ سروش، مریم (۱۳۹۲). «مقایسه بین‌نسلی سرمایه‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در دسترس زنان شیراز»، زن در توسعه و سیاست، س ۱۱، ش ۴، ص ۵۰۹-۵۳۰.
- [۷] آزموده، الهام؛ براتی‌فر، سعیده؛ بهنام، هانیه؛ آرادمهر، مریم (۱۳۹۴). «ارتباط ترجیح جنسی، فاصله مولید و ترکیب فرزندان بر رفتار باروری زنان»، مجله دانشگاه علوم پزشکی تربت‌حیدریه، س ۳، ش ۳، ص ۸-۱۵.
- [۸] آفرینی، فاطمه سادات؛ اکبری، ناهید؛ منتظری، علی (۱۳۹۷). «ارتباط بین حمایت اجتماعی و قصد فرزندآوری در زنان ساکن شهر تهران»، پایش، س ۱۷، ش ۳، ص ۳۱۵-۳۲۸.
- [۹] باومن، زیگموند (۱۳۸۷). عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: چشمه.
- [۱۰] ترابی، فاطمه؛ شیدانی، رضا (۱۳۹۸). «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر تهران به فرزندآوری کمتر»، مطالعات زن و خانواده، س ۷، ش ۲، ص ۳۱-۶۳.
- [۱۱] ترابی، فاطمه؛ قربانی، فرزاد؛ کوچانی، مسعود (۱۳۹۶). «مقایسه نگرش مردان و زنان نسبت به زمان فرزندآوری»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، س ۲۷، ص ۱۷۹-۱۸۳.
- [۱۲] ترکیان ولشانی، صاحب‌جان؛ زمانی و همکاران (۱۳۹۸). «فرزندآوری: عوامل سوق‌دهنده و بازدارنده»، نشریه پایش، س ۱۸، ش ۳، ص ۲۴۱-۲۴۹.
- [۱۳] جمشیدپها، غلامرضا؛ کوششی، مجید؛ ایرانی، یوسف (۱۳۹۰). «عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری زنان متأهل ۱۵-۴۹ ساله شهر قم»، دوفصل‌نامه اسلام و علوم اجتماعی، س ۳، ش ۵، ص ۵۹-۷۷.
- [۱۴] چابکی، ام‌البنین؛ سیدان، فریبا؛ ساعتی معصومی، طاهره (۱۳۹۷). «ارزش‌های فرهنگی و گرایش به فرزندآوری در زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر همدان»، مطالعات جنسیت و خانواده، س ۶، ش اول،

ص ۱۰۵-۱۲۶.

- [۱۵] چمنی، سولماز؛ شکر بیگی، عالییه، مشفق، محمود (۱۳۹۵). «مطالعه تعیین کننده‌های جامعه‌شناختی فرزندآوری (مورد کاوی: زنان متأهل شهر تهران)»، فصل‌نامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، س ۵، ش ۲۰، ص ۱۳۷-۱۶۵.
- [۱۶] حسینی، حاتم؛ بگی، بلال (۱۳۹۱). «تعیین کننده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی تمایلات فرزندآوری زنان همسر دار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی همدان». ماهنامه علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، س ۱۸، ش اول، ص ۳۵-۴۳.
- [۱۷] حسینی، حاتم (۱۳۹۰). درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی و اجتماعی و تنظیم خانواده، تهران: جامعه شناسان.
- [۱۸] حسینی، حاتم؛ بگی، بلال (۱۳۹۱). «فرهنگ و فرزندآوری: بررسی تمایلات باروری زنان کرد شهر مهاباد»، مطالعات راهبردی زنان، س ۱۵، ص ۱۲۱-۱۶۱.
- [۱۹] حسینی، حاتم؛ عباسی شوازی، محمدجلال (۱۳۸۸). «تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایدئال‌های باروری زنان ترک و کرد»، مطالعات زن و خانواده، س ۷، ش ۲، ص ۵۵-۸۴.
- [۲۰] حمیدی‌فر، مهدی، کنعانی، محمدامین؛ عبادالهی چندانق (۱۳۹۵). «جامعه در مخاطره و فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، س ۱۱، ش ۲۱، ص ۱۰۱-۱۳۵.
- [۲۱] حمیدی‌فر، مهدی، کنعانی، محمدامین؛ عبادالهی چندانق (۱۳۹۶). «نگاه بی‌فرزندان ارادی به فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، س ۸، ش ۳، ص ۲۷-۵۴.
- [۲۲] خدیوزاده، طلعت؛ ارغوانی، الهام؛ شاکری، محمدتقی (۱۳۹۳). «تعیین ارتباط بین انگیزه‌های فرزندآوری با ترجیحات باروری»، مجله زنان، مامایی و نازایی ایران، س ۱۷، ش ۱۱۴، ص ۸-۱۸.
- [۲۳] رضوی‌زاده، ندا؛ غفاریان، الهه؛ اخلاقی، آمنه (۱۳۹۴). «زمینه‌های کم‌فرزندطلبی و تأخیر در فرزندآوری»، راهبرد فرهنگ، ش ۳۱، ص ۷۳-۹۸.
- [۲۴] سرایی، حسن (۱۳۸۷). «گذار جمعیتی دوم با نیم‌نگاهی به ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، س ۳، ش ۶، ص ۱۴۰-۱۱۸.
- [۲۵] سرایی، حسن (۱۳۸۵). «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، س ۱، ش ۲، ص ۳۷-۶۰.
- [۲۶] سعادت، مهسا؛ باقری، آرزو (۱۳۹۶). «بررسی فاصله مطلوب ازدواج تا فرزندآوری از نظر جوانان در آستانه ازدواج»، پایش، س ۱۶، ش ۲، ص ۲۳۹-۲۵۰.
- [۲۷] شیر، طهمورث؛ بیداریان، سهیلا (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اقتصادی جمعیتی مؤثر بر باروری زنان ۱۵-۴۹ ساله شاغل در آموزش و پرورش منطقه ۲۲ تهران»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، س ۳، ش ۳، ص ۹۳-۱۰۷.
- [۲۸] صادقی، حنا سادات؛ سرایی، حسن (۱۳۹۵). «عوامل مؤثر بر گرایش به فرزندآوری زنان شهر تهران». فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، س ۷، ش ۲۷، ص ۱-۳۲.
- [۲۹] طاووسی، محمود؛ مطلق، محمداسماعیل؛ اسلامی و همکاران (۱۳۹۴). «فرزندآوری و عوامل

- مرتبط با آن از نگاه مردم تهران: پیش‌آزمون یک مطالعه ملی»، *پایش*، س ۱۴، ش ۵، ص ۶۰۵-۵۹۷.
- [۳۰] عباسی شوازی، محمدجلال؛ مک‌دونالد، پیتر و همکاران (۱۳۸۱). «بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد با استفاده از روش‌های کیفی». *نامه علوم اجتماعی*، س ۱۰، ش ۲۰، ص ۱۶۹-۲۰۳.
- [۳۱] عباسی شوازی، محمدجلال؛ حسینی چاووشی، میمنت و همکاران (۱۳۸۷). «سطح و روند باروری در ایران در سه دهه اخیر یا استفاده از روش فرزندان خود». *همایش مرکز آمار ایران*، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- [۳۲] عسگری ندوشن، عباس؛ حسینی، حاتم؛ کریمی، حامد (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی عوامل تعیین‌کننده ایدئال‌های باروری زنان کرد شاغل و غیر شاغل شهر سنندج». *مطالعات راهبردی زنان*، س ۱۷، ش ۶۷، ص ۴۵-۸۳.
- [۳۳] قاسمی اردهایی، علی؛ منافی‌آذر، رضا؛ محمودیانی گیلان، سراج‌الدین (۱۳۹۷). «عوامل اجتماعی مؤثر در تعداد فرزندان زنان متأهل شهر اهر»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۲۱، ص ۱۴۳-۱۶۶.
- [۳۴] کلانتری، صمد؛ بیک‌محمدی، حسن؛ زارع شاه‌آبادی، اکبر (۱۳۸۴). «عوامل جمعیتی مؤثر بر باروری زنان یزد در سال»، *پژوهش زنان*، س ۳، ش ۱۲، ص ۱۳۷-۱۵۶.
- [۳۵] کلانتری، صمد؛ ربانی، رسول؛ اکتایی، رزینا (۱۳۸۵). «بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی و فرهنگی تأثیرگذار بر میزان باروری با تأکید بر نقش تنظیم خانواده در شهر اصفهان»، *فصل‌نامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر*، پیش‌شماره ۱، ص ۱۰۷-۱۵۰.
- [۳۶] کشاورز، حمید؛ بهرامیان، محبوبه و همکاران (۱۳۹۱). «عوامل مؤثر بر تفاوت رفتار باروری عشایر اسکان‌یافته و کوچ رو سمیرم»، *تحقیقات نظام سلامت*، س ۸، ش ۳، ص ۴۵۶-۴۶۵.
- [۳۷] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- [۳۸] _____ (۱۳۹۱). *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- [۳۹] گیلیس، مالکوم؛ پرکینز، دی اچ؛ رومر، ام؛ اسنودگراس، دی آر. (۱۳۷۹). *اقتصاد توسعه*، ترجمه غلامرضا آزادآرمکی، تهران: نی.
- [۴۰] محمودی، محمدجواد؛ احرازی، مهدی (۱۳۹۲). *درآمدی بر اقتصاد جمعیت، نگرش‌ها، روش‌ها و یافته‌ها*، تهران: نشر مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- [۴۱] محمودیان، حسین؛ رضایی، مهدی (۱۳۹۱). «زنان و کنش کم‌فرزندی، مطالعه موردی زنان کرد»، *مطالعات راهبردی زنان*، س ۱۴، ش ۱۴، ص ۱۷۳-۲۲۵.
- [۴۲] محمودیان، حسین؛ محمدپور، احمد؛ رضایی، مهدی (۱۳۸۸). «زمینه‌های کم‌فرزندآوری در استان کردستان، مطالعه موردی شهر سقز»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، س ۴، ش ۸، ص ۸۵-۱۲۲.
- [۴۳] محمودیانی گیلان، سراج‌الدین (۱۳۹۳). «باروری ایدئال زنان و تعیین‌کننده‌های آن (مطالعه شهر کرمانشاه)»، *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، س ۲۲، ش ۷، ص ۲۴-۳۱.
- [۴۴] منصوریان، محمدکریم؛ خوش‌نویس، اعظم (۱۳۸۵). «ترجیحات جنسی و گرایش زنان همسرदार

- به رفتار باروری شهر تهران»، *مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز*، س ۲۴، ش ۲، ص ۱۲۹-۱۴۶.
- [۴۵] نفیسی، نوید؛ زرغامی، حسین؛ شیری، محمد (۱۳۹۴) «بررسی تمایل به فرزندآوری در آستانه ازدواج و برخی عوامل مرتبط با آن»، *فصلنامه جمعیت*، ش ۹۱-۹۲، ص ۹-۱.
- [۴۶] نقدی، اسدالله؛ زارع، صادق (۱۳۹۲). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر باروری زنان حاشیه‌نشین». *زن و جامعه*، س ۴، ش ۲، ص ۳۱-۵۴.
- [۴۷] نوروزی، لادن (۱۳۷۷). «تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی نرخ باروری زنان». *مجله برنامه و بودجه*، ص ۶۱-۷۸.
- [۴۸] هیوز، هنری استیوارت (۱۳۶۹). *آگاهی و جامعه*. ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: علمی فرهنگی.
- [49] Abbasi-Shavazi, M & McDonald, P (2008). 'Family Change in Iran: Religion, Revolution and the State', in R. J, A. Thornton and W. A. (ed.), *International Family Change: Ideational Perspectives*, Taylor & Francis Group, New York, PP 177-198.
- [50] Ajzen, I. & Klobas, J. (2013). Fertility Intentions: An Approach Based on the Theory of Planned Behavior. *Demographic Research*, 29: PP 203-232.
- [51] Ambrosetti, E; Angeli, A; Novelli, M. (2019). Ideal Family Size and Fertility in Egypt: An Overview of Recent Trends. *Demographic Research Perspectives on the Developing Countries*, 79 (2): PP 223-244.
- [52] Beck, U & Beck-Gernsheim, E. (2002). *Individualization: Institutionalized Individualism and its Social and Political Consequence*, London: Sage.
- [53] Beck, U. (1992). *Risk Society: Toward a New Modernity*, London: Sage.
- [54] Becker, G. S. (1960). "An Economic Analysis of Fertility". In: Becker, G. S (Ed.). *Demographic and Economic Change in Developed Countries*, PP 209-240.
- [55] Brinton, M. C., Bueno, X., Olah, L., Hellum, M. (2018). Postindustrial Fertility Ideals, Intentions, and Gender Inequality: A Comparative Qualitative Analysis. *Population and Development Review*, 44 (2): PP 281-309.
- [56] Caldwell, J. C. (1982). The Wealth Flow Theory of Fertility Decline. In Hohn, C., & Makensen, R. (Ed), *Determinants of Fertility Trends: Theories Re-examined*. Liege, Belgium, Ordinal Edition. PP 169-188.
- [57] Chao, J. M., & Kim, J. (2016). Influencing Factors on Fertility Intentions of Women University Students: Based on the Theory of Planned Behaviour. *Advanced science & Technology Letters*, 132: PP 37- 42.
- [58] Chan, R. (2007). Family At Risks: The Risks and Its Management in Hong Kong, The 4th Annual East Asian Social Policy Research Network, *International Conference*, University of Tokyo, Tokyo, Japan.
- [59] Heyford S. R. and Morgan S. Ph (2008). Religiosity & Fertility in the united states: The role of fertility intentions. *Sociology Forces*. 86 (3): PP 1163-1188.
- [60] Kazemipour, Sh. (2006). Iran and Demographic Factors that Influence the Evolution of marriage Age. *Research of Women*, 3: PP 1-15.
- [61] Kennedy, D. P. (2002). Gender, Culture Change and Fertility Decline in Honduras: An Investigation in Anthropological Demography [*PhD Dissertation*], American University of Florida.
- [62] Kuhnt, A. K., & Trappe, H. (2015). Channels of Social Influence on the

- Realization of Short- term Fertility Intentions in Germany. *Advances in Life Course Research*. 27: PP 16-29.
- [63] Lackland, S., Peltzer, D. K. & B. Mayer (2005). "The Changing Values of Childeren and Prefences Ragarding Family Size in South Africa". *Applied Psychology: An International Review*, PP 355- 377.
- [64] Lesthaeghe, R. J., Neidert, L. (2006). Second Demographic Transition in the United State. *Population and Development Review*, 32 (4): PP 669-698.
- [65] Marsh, I. (2000). *Sociology: Making Sense of Sociology*. London, Prentice Hall.
- [66] Miller W. B; Milstein S. G and Pasta, D. J. (2008). The Measurement of Childbearing Motivation in Couples Considering the Use of Assisted Reproductive Technology. *Biodemography Social Biology*, 54 (1): PP 8-32.
- [67] Miller, W. B (1994). Childbearing Motivations Desires and Intentions a Theoretical Framework. *Genetic, Social and General Psychology Monographs*. 120: PP 223- 258.
- [68] Miller, W. B. (1995). Childbearing Motivation and Its Measurement. *Journal of Biosocial Science*, 27: PP 473-487.
- [69] Miller, W. B. (2011). Differences between Fertility Desires and Intentions: Implications for Theory, Research and Policy. *Vienna Yearbook of Population Research, Reproductive Decision-making*, 9: PP 75-98.
- [70] Miller, W. B; Bard, D. E; Pasta, D. J and Rogers, J. L. (2010). Biodemographic Modeling of the Links between Fertility Motivation and Fertility Outcomes in the NLSY79. *Demography*, 47: PP 393-414.
- [71] Miller, W. B; Pasta, D. J. (1995). Behavioral Intentions; Which Ones Predict Fertility Behavior in Married Couples? *Journal of Applied Social Psychology*, 25: PP 530-555.
- [72] Modena, Francesca & Rondine, Concetaa (2013). Iconomic insecurity & Fertility Intentions: The Case of Italy. *Reviwe of Income and wealth*, Dol: 10.1111/ Roiw. I2044.
- [73] Perugini, M. & R.P. Bagozzi (2001). The Role of Desires and Anticipated Emotions in Goal Directed Behaviours: Broadening and Deepening the Theory of Planned Behavior. *The British Journal of social Psychology*. 40 (1): PP 79- 98.
- [74] Pezeshki, M; Zeighami, B; Miller, W. B. (2004). Measuring the Childbearing Motivation of Couples Referred to the Shiraz Health Center to Premarital Examinations. *Social Science*, 37: PP 37-53.
- [75] Razeghi Nasrabad, H. B; Abbasi-Shavazi, M. J. (2020). Ideal Fertility in Iran: A Systematic Review and Meta-analysis. *International Journal of Womens Health and Reproduction Science*, 8 (1): PP 10-18.
- [76] Yang, Y. (2006). Bayesian Inference for Hierarchical Age-Period-Cohort Models of Repeated Cross-section Survey Data. *Sociological Methodology*, 36: PP 39-74.
- [77] Yount, K. M & Rashad, H. (2008). *Family in the Middle East: Ideational Change in Egypt, Iran, Tunisia*, Routledge, Milton Park, Abingdon. Ox- on, New York, NY: Routledge, Taylor & Francis Group.